

متن پرسش

با عرض سلام: محال است در هستی دو چیز وجود داشته باشد. سوالم درباره رابطه ما با خدا و توحید و وحدت شخصی وجود است. می‌خواستم ببینم تصور درستی دارم یا اشکالی به این نحوه تصور وارد است. سوال اول: فرض کنیم قایل باشیم که یک وجود جدا از خداوند داریم، محذوراتی پیش خواهد آمد، اول اینکه باید فاصله ای عدمی بین وجود ما و خداوند باشد یعنی اینکه وجود من امتداد دارد تا یک حدی و در آن حد برخورد می‌کند به عدم و سپس بعد از آن عدم، وجود خدا شروع می‌شود حال آنکه محال است بین وجود من و خدا عدم و خلا قرار داشته باشد چون عدم حقیقتی ندارد پس چون وجود من با خدا متصل است در اصل فقط یک چیز وجود دارد و به این وجود یگانه خدا می‌گوییم. حال این اتصال شامل کمالات وجودی من است با خدا زیرا اگر اینطور نباشد خدا ماهیت پیدا می‌کند و به ذهن می‌آید یعنی اینکه این وجود آخر دارد، چون به ذهن در می‌آید، و آخر داشتن وجود یعنی اینکه امتداد یافته و به عدم رسیده حال آنکه وجود به عدم نخواهد رسید پس محدوده ای ندارد تا به ذهن درآید. ۲. همین موضوع درباره اتصال موجود مجرد و مادی مطرح می‌شود یعنی محال است ماده از مجرد جدا باشد چون بینشان عدم قرار ندارد تا دو چیز فرض شود یعنی اگر به ماده که وجود محدود است کمالات وجودی اضافه شود به شکل مجرد درمی‌آید یعنی وجود مجرد همان وجود مادی است با کمالات بیشتر و این کمالات بینهایت اضافه شود همان وجود خداست پس در اصل وجودات مادی کمالات محدودی از کمالات خداست. ممنون از پاسخگویی شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت دارید که همه این نکات با بحث «اصالت وجود» و تشکیکی بودن آن که جناب ملاصدرا مطرح می‌کنند؛ به خوبی روشن می‌شود تا نه ما همه چیز را خدا تصور کنیم و نه خداوند را محدود بنماییم. نکات خوبی را در این رابطه متذکر شده‌اید. موفق باشید